

توسعه در عصر ارتباطات و جامعه اطلاعاتی

نوشته دکتر سید وحید عقیلی*

در عصر ارتباطات و جامعه اطلاعاتی، تحول و دگرگونی جوامع بشری سرعتی چشمگیر یافته است. حرکت شتابان جهان به سوی اطلاعاتی شدن، واقعیتی انکارناپذیر است. در دوران جامعه اطلاعاتی، پیشرفت علوم و تکنولوژی و به ویژه فناوریهای اطلاعاتی مرزی نمی شناسد و شاید نتوان از علم یا فنی سخن گفت که فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی آن را متحول نساخته باشند.

جامعه اطلاعاتی در دهه های اخیر و به ویژه در ۱۰ سال گذشته به صورت یکی از مهمترین موضوعات، توجه نظریه پردازان و متخصصان علوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به خود جلب کرده و در عرصه روابط بین الملل، مناسبات منطقه ای و صحنه زندگی ملی کشورها نیز جایگاه برجسته ای پیدا کرده است.

از سوی دیگر ضریب شتاب تحولات در جامعه اطلاعاتی بسیار بالاست و دامنه این تأثیر گذاری در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کاملاً محسوس است. در دهه های، گذشته تکنولوژیهای جدید ارتباطی، صرف نظر از اینکه با استقبال و یا مقاومت دولتها و حکومتها روبه رو شده باشند یا نه، از مرزهای جغرافیایی هر کشوری گذشته و به بطن تمامی جوامع بشری راه یافته و تمامی عرصه های زندگی بشری را متحول ساخته اند.

عصر ارتباطات و فناوریهای ارتباطی و جامعه اطلاعاتی از دوره های شاخص در تاریخ تمدن بشری محسوب می شود چرا که انقلاب ارتباطات، جامعه معاصر را حتی بیش از انقلاب صنعتی دگرگون کرده و جهان را در شرایطی از تغییر و تحولات قرار داده که سرعت، ژرفا و ضریب شتاب آن تاکنون بی سابقه بوده است.

اکنون در دهه اول قرن بیست و یکم به نظر می رسد که تقریباً دیدگاهی مشترک پیرامون توسعه و دگرگونیهای عمومی که جهان را در بر گرفته وجود دارد. بی شک این تحولات در کشورهای توسعه یافته صنعتی، شکل گرفته و کم کم به صورت عوارضی جانبی به کشورهای حوزه جنوب سرایت کرده اند. یکی از عوامل و نقاط کانونی این تحولات که همه شئون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی نظامی کشورها را در بر گرفته، گسترش و رشد کیفی و کمی فناوریهای ارتباطی و

* عضو هیأت علمی گروه ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز

اطلاعاتی است. این امر تا آنجا پیش رفته که بسیاری از صاحب‌نظران و متفکران برای تبیین این تحولات تعبیرهایی همچون عصر اطلاعات، جامعه اطلاعاتی، عصر ارتباطات و... را ابداع کرده و پیدایش دوران نوینی را اعلام کرده‌اند که از بیخ و بن از گذشته جدا و نمایانگر گسستی جدی در تمامی روابط است.

مقاله حاضر در پی تبیین این مسئله است که آیا در دوران کنونی دستیابی به توسعه بدون ورود همه‌جانبه، آگاهانه و برنامه‌ریزی شده به جامعه اطلاعاتی، ممکن است یا نه. به عبارت دیگر آیا ورود به جامعه اطلاعاتی که خود مستلزم توسعه نسبتاً کامل ارتباطات و زیرساخت‌های ارتباطی و به کارگیری و گسترش وسایل نوین ارتباطی است، جوامع را به توسعه رهنمون خواهد کرد.

تحلیل نگارنده این مقاله بر این فرض استوار است که ورود به جامعه اطلاعاتی در واقع پذیرش و استقبال از نوعی الگوی توسعه برون‌زا است. اما سؤال اصلی این است که آیا ورود به جامعه اطلاعاتی از سوی کشورهای در حال توسعه به معنای رسیدن به سطوح قابل قبولی از توسعه است؟

هزاره سوم به زعم صاحب‌نظران، عصر فناوریهای اطلاعاتی و جامعه اطلاعاتی است. حرکت جوامع صنعتی به سوی جامعه اطلاعاتی سالهاست آغاز شده و از اوایل دهه ۹۰ به بعد شتابی فزاینده یافته است؛ به گونه‌ای که سرعت این حرکت در کشورهای کمتر توسعه یافته به خوبی احساس می‌شود. فناوریهای اطلاعات و ارتباطات از تازه‌ترین دستاوردهای علمی بشر است که به نظر می‌رسد تواناییها و قابلیت‌های بسیاری را به جامعه انسانی عرضه کرده و می‌تواند در رفع مشکلات موجود جامعه بشری مفید و مؤثر واقع شود. بسیاری در سراسر جهان بر این عقیده‌اند که تسریع و تعدیل در فرایند تبادل دانش و اطلاعات از طریق فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی نقشی بسیار کلیدی در دستیابی به توسعه، توسعه منابع انسانی و توسعه پایدار ایفا خواهد کرد و جامعه مبتنی بر دانش و اطلاعات به عنوان الگوی توسعه پایدار شناخته خواهد شد.

فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی عبارتند از فناوریهایی که بشر را در ضبط، ذخیره‌سازی، پردازش، بازیابی، انتقال و دریافت اطلاعات یاری می‌دهند. این اصطلاح شامل فناوریهای نوینی مانند رایانه، شبکه‌های ارتباطی خطوط تلفنی و شبکه‌های فیبرنوری، ماهواره‌ها و دیگر وسایل ارتباطی است. فناوریهای اطلاعاتی روشهای انجام کارها را دگرگون کرده و امور اقتصادی و اجتماعی و حتی شیوه تفکر انسانها را تغییر داده است. امروزه، فناوریهای اطلاعات در مقایسه با مسایل ارتباط جمعی، دامنه‌ای به مراتب وسیع‌تر دارد و امکاناتی را برای تغییر و پیش‌بینی و دورنمای تازه‌ای را در زمینه توسعه ارائه می‌کند. در آغاز به‌طور اجمالی به بررسی برخی از اهداف، مصوبات، اعلامیه‌های جهانی، الگوها و آرا متخصصان و صاحب‌نظران حوزه ارتباطات و توسعه می‌پردازیم.

اعلامیه نهایی «کنفرانس جهانی حقوق بشر» (وین، ۱۹۹۳)، که به «اعلامیه وین» مشهور است، حق توسعه را به صورت مورد پیش‌بینی در متن «اعلامیه مربوط به حق توسعه» (مصوب نوامبر ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) به عنوان یک بخش مکمل حقوق بشر، مورد تأکید قرار داده است. در اعلامیه مذکور آمده است که افراد انسانی، قلمرو محوری و زمینه اصلی توسعه هستند و در این باره نسلهای آینده باید در کانون توجه جهانیان قرار گیرند. اعلامیه یاد شده، تأکید کرده است در حالی که توسعه به عنوان دستاویزی، برخورداری افراد از تمام حقوق انسانی را آسان می‌سازد، عدم توسعه نباید برای توجیه محدودسازی حقوق بشر مطرح شود. «اعلامیه مربوط به حق توسعه» همچنین بر این واقعیت تکیه می‌کند که تحقق رو به پیشرفت حق توسعه، مستلزم آن است که در این باره سیاستگذاری توسعه‌ای مؤثر در سطح ملی صورت گیرد و نیز محیط اقتصادی متناسب با آن در سطح بین‌المللی فراهم شود. باید یادآوری کرد که تأکید بر «حق توسعه» که در سندهای مصوب سومین گردهمایی کمیته تدارک نخستین مرحله برگزاری اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی (سپتامبر ۲۰۰۳) طرف توجه واقع شده بود، در متن نهایی «اعلامیه اصول» و «برنامه عمل» مصوب این اجلاس جهانی (۱۰ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳) انعکاس نیافت و در آنها، به‌طور شگفت‌انگیزی تنها بر اهمیت پیوستگی سیاستهای توسعه و توسعه جامعه اطلاعاتی تأکید شد (معتد: نژاد، ۱۳۸۴، ۳۴).

حدود هشت سال بعد یعنی در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، سران دولتهای جهان «اعلامیه هزاره» Millennium Declaration را در سازمان ملل متحد تصویب کردند. این تعهد جهانی یکی از مهمترین اسناد سازمان ملل در سالهای اخیر است که نشان می‌دهد این سازمان به دنبال یافتن راهکارهایی برای برخی از چالشهای کنونی جامعه جهانی است. این اعلامیه بر هشت آرمان توسعه هزاره تأکید داشته و برای زدودن غبار فقر در تمام ابعاد آن از چهره جوامع تلاش می‌کند. همچنین بالا بردن کیفیت زندگی مردم و تضمین پایداری محیط‌زیست را از اولویتهای خود می‌داند. در این تعهد جهانی هدفها و شاخصهای ویژه‌ای برای هر یک از آرمانهایی تعیین شده است که تا سال ۲۰۱۵ میلادی باید به آنها دست یافت. از حدود سه سال پیش، در ایران کمیته ملی توسعه اهداف هزاره با حمایت برنامه عمران سازمان ملل UNDP-United Nations Development Plan فعالیت خود را برای پیگیری اهداف فوق آغاز کرد. آرمانهای هشت‌گانه اعلامیه هزاره عبارتند از:

۱. ریشه‌کن کردن فقر شدید و گرسنگی: دوسوم جمعیت جهان و یا به عبارتی نزدیک به چهارمیلیارد نفر با درآمدی کمتر از ۱۵۰۰ دلار در سال زندگی می‌کنند. از سوی دیگر در جهان در حال توسعه حدود ۱/۲ میلیارد نفر با روزی کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند و ۸۰۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه بوده و ۱۵۳ میلیون کودک زیر پنج سال کمبود وزن دارند.

۲. دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی: حدود ۱۱۴ میلیون کودک در سن آموزش ابتدایی از آموزش ابتدایی محروم هستند. به عبارتی یک کودک از پنج کودک از دسترسی به بنیادی‌ترین آموزش محروم است.
۳. ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان: زنان به عنوان نیمی از جمعیت جوامع بشری در بسیاری از کشورها از نابرابری رنج می‌برند. و این در حالی است که زنان با وجود این محدودیتها، حضوری پررنگ در تأمین مخارج و سامان دادن به امور خانواده‌ها دارند. در حال حاضر در حدود ۶۳ میلیون دختر در سن تحصیلات ابتدایی امکان حضور در مدرسه را ندارند.
- در نه کشور جهان از هر سه کرسی پارلمان یک کرسی در اختیار زنان است.
۴. کاهش مرگ و میر کودکان: هر ساله نزدیک به ۱۱ میلیون کودک کمتر از پنج سال در جهان و یا به عبارتی بیش از ۱۲۰۰ کودک در ساعت بنا بر دلایلی که بیشتر آنها به راحتی قابل پیشگیری است، جان خود را از دست می‌دهند. براساس محاسبه یونیسف بین سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۰ میلادی بیش از ۵۰ درصد مرگ و میر کودکان در جنوب آفریقا بر اثر بیماری ایدز بوده است.
۵. بهبود بهداشت مادران: هر ساله به‌طور متوسط پانصد هزار زن - یک نفر در دقیقه - در طول دوران بارداری و یا هنگام زایمان جان خود را از دست می‌دهند. از هر ۱۶ زن یک نفر در منطقه جنوب صحرای آفریقا در طول زندگی خود با خطر مردن در هنگام وضع حمل روبه‌روست.
۶. مبارزه با ویروس و بیماری ایدز، مالاریا و سایر بیماریها: بیماری ایدز عمده‌ترین مرگ و میر در منطقه جنوب صحرای آفریقا و چهارمین عامل مرگ و میر در سراسر جهان به‌شمار می‌رود که با سرعت زیادی در مناطق مختلف جهان از جمله آسیای جنوبی، جمهوریهای سابق شوروی و کارائیب در حال گسترش است.
۷. تضمین پایداری محیط‌زیست: ادغام و گنجایش اصول پایدار در سیاستها و برنامه‌های کشوری و جلوگیری از نابودی منابع محیط‌زیست، کاهش محرومیت دسترسی به آب آشامیدنی سالم و دستیابی به هدف بهبود چشمگیر در زندگی حداقل یک صد میلیون زاعه‌نشین تا سال ۲۰۲۰ را باید از مهمترین اهداف توسعه هزاره به‌شمار آورد. در حال حاضر حدود ۲/۴ میلیارد نفر در جهان از بهداشت کافی برخوردار نبوده و جمعیتی بالغ بر ۱/۲ میلیارد نفر از آب سالم محروم هستند.

۸. ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه: این آرمان، کشورهای ثروتمند را مسئول تأمین دسترسی برابر به بازارها، فناوریها و ایجاد محیط و شرایط مالی مناسب برای سایر کشورها می‌داند و از سوی دیگر برخورداری از حکومت مطلوب و تمرکز بر نیازهای اجتماعی و سرمایه انسانی را برای دستیابی کشورهای در حال توسعه به اهداف هزاره ضروری می‌داند. در حال حاضر جامعه جهانی نیازمند آن است که تعهدات در مورد افزایش کمکهای توسعه تحقق یافته و سرعت پیشرفت افزایش یابد تا زمینه کاهش فشار بدهیهای کشورهای فقیر فراهم شود.

از سوی دیگر طرح توسعه سازمان ملل تلاش می‌کند با معرفی و در اختیار گذاشتن تجارب مختلف در زمینه توسعه فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی در نقاط مختلف جهان به تهیه استراتژی کشورها برای توسعه این فناوریها کمک کند. از سوی دیگر با تحقیقات حمایتگرانه می‌کوشد، بهترین راههای توسعه این فناوریها را شناسایی و معرفی کند. این سازمان به پروژه‌هایی که در زمینه فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی تعریف شوند تا سقف ۳۰۰۰۰ دلار امریکا کمک کرده و با دولتها در زمینه پیاده کردن این گونه طرحها، همکاری می‌کند. برای مثال در سال ۱۹۹۹ دولت مصر با همکاری این سازمان در نقاط دورافتاده‌ای از این کشور که حتی به تلفن نیز دسترسی نداشتند، امکان اتصال به اینترنت را فراهم کرد. (اربیان ۱۳۸۲).

حال پرسش اساسی این است که آیا ورود کشورهای در حال توسعه به جامعه اطلاعاتی به معنای رسیدن به سطوح قابل قبولی از توسعه مطابق اهداف اعلامیه هزاره است؟ آنجایی که ورود کشورها به جامعه اطلاعاتی در سالهای اخیر با بحثهای جهانی شدن و به ویژه جهانی شدن اقتصاد و یا اقتصاد جهانی همراه بوده است و جهانی شدن به جای ایجاد نظمی بین‌المللی یا جامعه مدنی به تقویت نظم اقتصادی مبتنی بر منافع اقتصادی شرکتهای فراملیتی تبدیل شده است، امکان موفقیت جوامع در رسیدن به اهداف توسعه هزاره تا چه حد است؟ و آیا تأمین منافع شرکتهای فراملیتی در شرایط کنونی اقتصاد جهانی، بر منافع جوامع در حال رشد در رسیدن به توسعه ارجحیت ندارد؟

جهانی شدن اقتصاد که به اعتقاد اکثر اندیشمندان مسائل جهانی، وجه غالب جهانی شدن را تشکیل می‌دهد، با جهانی شدن نظام سرمایه‌داری عجین شده است. امروزه بیش از هر زمان دیگری، آزادسازی اقتصادی، تجارت آزاد و اصلاح ساختار اقتصادی به عنوان یک ضرورت برای پیمودن مسیر توسعه از سوی کشورها مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. طوری که ظاهراً از نظر بسیاری از کشورهای در حال توسعه، راه رسیدن به توسعه از طریق آزادسازی اقتصادی میسر است.

«چیزی که در این دوره به ظاهر کنشهای بین‌المللی و جهانی کاملاً مهم است ناتوانی کشورهای به اصطلاح در حال توسعه یا ملتهای کوچک در اثرگذاری بر روند پیشرفتهای کنونی جهان در یک حداقل قابل اعتنا می‌باشد.» (مولانا، ۱۳۸۲، ۱۳۵)

کشورهای در حال توسعه نه تنها در تأثیرگذاری بر روند پیشرفتهای جهانی موفق نبوده بلکه با اتخاذ الگوهای نامناسب، بیشتر دچار عقب‌افتادگی می‌شوند؛ تا جایی که با تضعیف اقتصاد ملی، وابستگی آنها به الگوهای خارجی بیشتر می‌شود. این امر به مفهوم قبول حاکمیت الگوی لیبرال بر اقتصاد جهانی، همگرایی اقتصادی ملی با نظام اقتصادی جهانی و عضویت فزاینده کشورها در سازمانهای اقتصادی جهانی است که هر کدام نمودی از جهانی شدن اقتصاد به‌شمار می‌آید.

«جهانی‌سازی اقتصاد واقعیتی است که به سرعت در حال گسترش است. بازیگران اصلی اقتصادی جهان امروز شرکتهای چند ملیتی هستند که مولد سرمایه و سودی عظیم می‌باشند. این شرکت‌های چند ملیتی با درآمدی بیش از درآمد تولید داخلی کشورها به‌طور بین‌المللی در تملک و کنترل شرکتها هستند.» (Baker, 2002, 261)

«فعالتهای وسیع تجارتهای عمدتاً بدون دولت، تصمیم‌گیری‌های محلی و بومی را تضعیف کرده است، پدیده‌ای که برخی مایلند آن را «جهانی‌سازی» بنامند. بازیگران اصلی این فرایند آن‌گونه که یکی از نویسندگان خاطر نشان می‌کند: شرکتهای فراملیتی هستند. و در این خصوص نیرو محرکه انقلاب اطلاعات و فناوریهای ارتباطی هستند.» (Schiller, 1996, 111)

در این خصوص سود سرشار شرکتهای چند ملیتی (TNCs) در فرایند جهانی‌سازی ارتباطات و فناوریهای اطلاعاتی، نیاز کشورهای در حال توسعه برای به دست آوردن این فناوریها و همسوس شدن با روند جهانی شدن قابل مطالعه است.

باری آکسفورد در مورد فرایند جهانی شدن اقتصاد می‌گوید: نکته اصلی این است که جهان در معرض فرایند وابستگی و پیوستگی متقابل فزاینده‌ای است؛ به گونه‌ای که سخن گفتن از اقتصادهای ملی جداگانه براساس اصولی چون حاکمیت دولت - ملت بیش از پیش نامناسب باشد.

به عبارتی دیگر، مسیر رسیدن به توسعه و رشد برای کشورهای در حال توسعه، با اتخاذ الگوهای درون‌زا به‌نظر سخت بعید می‌آید. با عنایت به شرایط کنونی جامعه اطلاعاتی، همگرایی (Convergence) اقتصادی ملی با نظام اقتصادی جهانی و روند جهانی شدن و جهانی‌سازی اتخاذ الگوهای برون‌زا (Outward-looking) ضروری به‌نظر می‌آید. هرچند منافع شرکتهای فراملیتی در این مورد اولویت ویژه دارد.

الگوی توسعه درون‌زا (Inward-looking) برخلاف الگوی توسعه برون‌زا الگویی است که منشأ و جهت‌گیری داخلی دارد.

در این الگو منابع داخلی و شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه خود مورد توجه قرار می‌گیرد. این الگو از تقلید و الگوبرداری محض و وابستگی به خارج دوری می‌کند. در حالی که توسعه برون‌زا، نوعی از الگوی توسعه است که بعد از جنگ دوم جهانی، بسیاری از کشورهای توسعه نیافته برای پایان دادن به توسعه نیافتگی خود، در ابعادی نظری و عملی آن را پذیرفتند. این الگوی توسعه، منشأ و جهت‌گیری خارجی دارد و الگویی است تقلیدی که بر کشورهای توسعه نیافته به نوعی تحمیل شده است. این الگو به دلیل تقلیدی بودن و سوگیری خارجی داشتن به الگوی توسعه غربی نیز معروف است. اما در عین حال در شرایط کنونی اقتصاد جهانی و ارتباط و تعامل آن با جامعه اطلاعاتی و فناوریهای نوین ارتباطی، ظاهراً اتخاذ الگوهای برون‌زا اجتناب‌ناپذیر است و با توجه به ویژگیها و مقتضیات جهان کنونی، پیروی از الگوهای درون‌زا نیز نمی‌تواند برای جوامع، متضمن رسیدن به توسعه باشد.

از آنجا که فراگیری، سرعت انتقال و ارتباط، ضریب شتاب بالا، جامعیت، تمرکززدایی، تعامل، انعطاف‌پذیری، فردگرایی، پیچیدگی، شبکه‌ای کردن، رقابت و نوآوری، متراکم شدن زمان و مکان، تقویت نظارت جهانی در جامعه شبکه‌ای و کاهش و کم‌اثر کردن نظارت‌های محلی از جمله ویژگیهای بارز و تعیین‌کننده فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی هستند، بر برون‌زا بودن فرایند توسعه تأکید داشته و کنش متقابل هر جامعه‌ای را با جامعه جهانی و بین‌المللی مورد تأکید قرار می‌دهد.

دکتر کاظم معتمدنژاد در کتاب *جامعه اطلاعاتی: اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم‌اندازهای جهانی*، به چگونگی انتقال مفهومی جامعه اطلاعاتی از عرصه دانشگاهی به عرصه سیاست تأکید دارد؛ مفهومی که به زعم ایشان خوش‌بینانه است و بیشتر بر جنبه اقتصادی و بازاری آن یعنی «خصوصی‌سازی عرصه ارتباطات و اطلاعات»، «رقابتی کردن اطلاعات»، «بی‌توجهی به عرصه عمومی» و... تأکید دارد.

در این خصوص دکتر معتمدنژاد با اصرار بر اینکه مفهوم جامعه اطلاعاتی به محض ورود به عرصه سیاست، به ویژه در کشورهای قدرتمند از جمله آمریکا و انگلیس دچار تنزل شده و از خاستگاه و آرمانهای اولیه آن - مفهومی که در محافل آکادمیک مورد توجه بوده است - فاصله گرفته است، با ظرافت و نکته‌سنجی خاصی از طریق پیگیری چگونگی فرایند ورود مفهوم جامعه اطلاعاتی به محافل سیاسی آمریکا و اتحادیه اروپا آن را به اثبات می‌رساند. امری که نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن «افزایش نابرابری جهانی»، «ناتوانی در تأمین اهداف اجتماعی» و «دسترسی نابرابر به اطلاعات» و... است.

نویسنده در ادامه مباحث مربوط به تنزل جایگاه و آرمانهای اولیه جامعه اطلاعاتی، به بررسی سیر معارضه‌جویی دو جریان فکری مرتبط با جامعه اطلاعاتی در سازمانها و اجلاس‌های مهم بین‌المللی از جمله یونسکو و اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور می‌پردازد. همچنین با اشاره به آموزه‌های تاریخی

مواجهه همین دو جریان فکری در ارتباط با نظریه جریان آزاد اطلاعات و ارتباطات، ادعا می‌کند که خط فکری دوم، یعنی نمایندگان جامعه مدنی به ویژه در اجلاس‌های اخیر سران درباره جامعه اطلاعاتی به موفقیت‌های چشمگیری - به ویژه از طریق تصویب اعلامیه اصول مورد نظر جامعه مدنی - دست یافته‌اند. اعلامیه‌ای که بیش از هر چیز نشان‌دهنده محدودیتهای الگوی اقتصادی جامعه اطلاعاتی و لزوم توجه به چشم‌اندازهای انسانی و اجتماعی و نیز لزوم تعامل همه عناصر گوناگون جامعه اطلاعاتی و ارتباطی است.

از دیدگاه هربرت شیپر، نظریه پرداز آمریکایی، سلطه غرب بر روابط اقتصادی به گونه‌ای مهارناپذیر به اشکال فرهنگی سلطه منتهی می‌شود. با این حال، این موضوعی قابل بحث است که خصلت سرمایه‌داری و فرهنگ جهانی از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به میزان قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است. شیپر چنین استدلال می‌کند که دهه ۱۹۶۰ اوج قدرت اقتصادی و فرهنگ آمریکا بوده است و از این دوره به بعد، جهان به گونه‌ای روزافزون با توجه به وجود مراکز رقیب قدرت و فعالیت اقتصادی پیچیده‌تر شده است. واکنش آمریکا نسبت به این چالشها، صرف تلاش بیشتر در زمینه صنایع فرهنگی از طریق توسعه تکنولوژیهای ارتباطی جدید بوده است. این تحولات به گسترش تجاری‌سازی رسانه‌های جمعی کمک کرده است.

«تجربه آمریکا با موج فناوریهای نوین ارتباطی در قرن بیستم حداقل نمایانگر دو ویژگی در دهه‌های اخیر است. یکی ظاهر پرطمطراق و رو به رشد و دیگری تفکر سریع مالکان شرکتهای بزرگ دستگاهها و ابزار جدید و فرایندهای مربوطه برای اهداف تجاری به معنای به دست آوردن سود است.» (Schiller, 1996, 75)

با وجود پیشرفتهای به دست آمده در بسیاری از زمینه‌ها و حوزه‌های دانش بشری و بروز تحولات فناورانه ارتباطی و اطلاعاتی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی درباره پیامدهای آن سؤالات بسیاری مطرح است.

«امروزه می‌توان توسط کابلهای فیبرنوری اطلاعات را سریع‌تر، ارزان‌تر و بسیار آسان‌تر از گذشته ارسال کرد. همزمان با این جریان، پیشرفتهای فناوری در شبکه‌های حمل و نقل باعث کاهش هزینه‌های ترابری کالا از طریق هوایی، زمینی و دریا شده و پیشرفتهای فناوری اطلاعات سهولت اداره ارتباطات جدید را موجب شده است. با این همه، آیا مزایای فوق‌الذکر به‌طور یکسان در بین کشورهای جهان تقسیم شده است؟ بنا بر گزارش طرح توسعه سازمان ملل (۱۹۹۹) پیشرفتهای کنونی حوزه اطلاعات و فناوریهای ارتباطی در واقع باعث فزونی شکاف بین دنیای «داراها» و «ندارها» شده است.» (Mohammadi Ali & Ahsan Mahmoud 2001, 123-124)

در خصوص اتخاذ روشهای توسعه در عصر جامعه اطلاعاتی برای توسعه جهان سوم، دکتر محمد مهدی فرقانی در مقاله «جامعه اطلاعاتی: گذر از الگوی حاکم» سؤال زیرکانه و معناداری را

این گونه مطرح می‌کند، «ایالات متحده آمریکا نزدیک به دو دهه، مدعی نسخه‌پردازی جهانی برای توسعه جهان سوم بود: الگویی که با وجود انتقادهای فراوان و تجربه نه چندان موفق، به «الگوی حاکم» توسعه شهرت دارد. آیا «الگوی حاکم» دیگری که توسط غرب و به ویژه آمریکا، مدیریت می‌شود در راه نیست؟ آیا چندوچون پیشبرد جامعه اطلاعاتی جهانی که در واقع قرائت دیگری از پدیده جهانی سازی است، آنچنان که امروز در دستور کار است، قرار نیست بار دیگر در هیأت «الگوی حاکم توسعه» رخ بنماید؟»

جامعه اطلاعاتی، عصر ارتباطات و توسعه ارتباطات توازن جهان را بر هم زده است و روند جهانی شدن به عنوان یک واقعیت رودروی ماست. کشورهایایی که موفق به تطبیق خود با تغییرات جهانی به ویژه عوارض و پیامدهای جامعه اطلاعاتی نشوند، به احتمال بسیار زیاد متضرر خواهند شد. عزم ملی که مستلزم درک درست جایگاه دانش و فناوری در توسعه و حرکت در متن و مسیر تحولات علمی و فنی جهان است؛ یعنی توسعه‌ای انسان محور که شایسته سالاری در آن حاکم یا غالب باشد، همراه داشتن استراتژی روشن و پویای ملی و آینده‌نگری از ضرورت‌های اصولی رسیدن به اهداف توسعه است. □

*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - سازمان مرکزی

منابع فارسی:

۱. اربابیان محمدامین، دادخواه تهرانی عبدالصالح، همایش کاربرد فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران: ۱۳۸۲.
۲. ازکیا، مصطفی. جامعه‌شناسی توسعه، مؤسسه نشر کلمه، تهران: ۱۳۸۱.
۳. اصنافی ا. حمیدی ع. نقش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات بر توسعه آموزش و دانش؛ مجله الکترونیکی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ش ۳، دوره ۲.
۴. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، بولتن داخلی، ش ۵۳، آذرماه ۱۳۸۴.
۵. «بازشناسی لیبرالیسم و جهانی شدن»، گروه نویسندگان، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۲.
۶. فرقانی، محمد مهدی. جامعه اطلاعاتی: گذر از الگوی حاکم، رسانه، ش ۵۵، پاییز ۱۳۸۲.
۷. معتمدنژاد، کاظم. دیدگاه‌های انتقادی در مورد مصوبات اجلاس جهانی درباره جامعه اطلاعاتی، رسانه، ش ۶۲، تابستان ۱۳۸۴.
۸. معتمدنژاد، کاظم. اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی، مرکز پژوهش‌های ارتباطات، تهران، ۱۳۸۲.
۹. مولانا، حمید. جامعه مدنی؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - سازمان انتشارات، تهران: ۱۳۸۲.

منابع لاتین:

1. Baker C. Edwin, Media, Markets and Democracy, Cambridge University Press, 2002
2. Mohammadi Ali, Ahsan Mahmoud, "Globalization or Recolonialization" London 2001
3. Schiller Herbert I., Information Inequality: The Deepening Social in America, New York, Routledge, 1996.
4. WWW.iranwnsis.org